

بررسی عوامل موثر بر دلبستگی به مکان با استفاده از تکنیک متاآنالیز

دریافت مقاله: ۹۸/۱/۷ پذیرش نهایی: ۹۸/۵/۲۹

صفحات: ۱۹۳-۲۰۵

وحیده نوری: گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

Email: vahide42300@gmail.com

افسون مهدوی: گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران^۱.

Email: afsoon.mahdavi@yahoo.com

فاطمه محمدنیا قرایی: گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Email: GHaraaee.fatemeh@gmail.com

چکیده

دلبستگی به مکان رابطه عاطفی فرد با مکان است که ریشه در خصوصیات و تجارب گذشته فرد دارد که مکان باید بتواند پاسخگو نیازها و انتظارات انسان باشد و همینطور مکان باید ظرفیت های پاسخگویی به این نیازها و انتظارات را داشته باشد. دلبستگی به مکان براساس تعامل شناختی، عاطفی و عملکردی بین افراد، گروه ها و مکان کالبدی- اجتماعی در طول زمان شکل می گیرد. پژوهش حاضر با هدف استفاده از روش آماری فراتحلیل در راستای تحلیل نتایج پژوهش های انجام شده در زمینه دلبستگی به مکان انجام شده است. به منظور انجام فراتحلیل، ۷۵ پژوهش انجام شده در رابطه موضوع بررسی شدند و از این میان ۱۸ پژوهش انجام شده بین سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۸ در زمینه دلبستگی به مکان انتخاب شدند. در گام نخست ارزیابی پژوهش های منتخب، مفروضات همگنی و خطای انتشار مورد بررسی قرار گرفتند؛ بر این اساس یافته ها حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سو گیری انتشار مطالعات مورد بررسی داشتند. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر با به کارگیری نسخه دوم نرم افزار CMA مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر عوامل شناسایی شده ۰/۳۷۶ است که بر حسب نظام تفسیری کوهن، در حد متوسط ارزیابی می شود. در مجموع نتایج پژوهش نشان داده است که عوامل شناسایی شده تأثیری متوسط بر دلبستگی به مکان دارد.

کلید واژگان: فراتحلیل، مکان، دلبستگی به مکان، تکنیک متاآنالیز

۱. نویسنده مسئول: کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، گروه شهرسازی

مقدمه

مکان بخشی از فضا است که به وسیله‌ی شخصی یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است. برهم کنش افراد با این محیط بلادرنگ فضا است که ویژگی‌های آن را متمایز از مناطق اطراف می‌گرداند. می‌توان این طور گفت که مکان بنا بر واقعه تعریف می‌یابد و خود، هویتی مستقل از فضا می‌گیرد. در واقع، مکان همان فضا است اما این بار با سلسله‌ای از تداعی معانی و با حضوری از وقایع و خاطره‌ها (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۰-۲۶۹). به بیانی دیگر، نکته‌ی اصلی و مهم در ارتباط با مکان موضوع "ماندن" و "مکت" در فضا است. مکان به دلیل شمار نوع فعالیتها و اتفاقاتی که در آن رخ می‌دهد، دارای معناست و این ویژگی آن را از فضا متمایز می‌سازد. موضوع دلبستگی به مکان در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان را در حوزه‌های مختلفی چون جامعه‌شناسی، روانشناسی محیطی، جغرافیای انسانی، معماری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری به خود جلب کرده است (وادا و همکاران^۱، ۲۰۱۹: ۳۰۵). بخش عمده این توجه رو افزون به دلیل سست شدن روابط مردم- مکان ناشی از گسترش پدیده جهانی شدن، افزایش امکان جا به جایی و تهدید روز افزون محیط زیستی که مردم با آن در ارتباطند، می‌باشد. همچنین وجود فضاهای شهری بی‌کیفیت، کسالت آور، بی‌معنی و غیرانسانی موجب توجه بیشتر به این مفهوم شده است (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۷۶). طرح مفهوم دلبستگی مکانی به دهه ۶۰ باز می‌گردد، زمانی که علاقمندی‌های اولیه به مطالعات پدیدارشناسی ظهور پیدا کرد، مانند مطالعات بچلارد در سال ۱۹۶۴ و ایلی اید در سال ۱۹۵۹. آنها بر تجارب احساسی و پیوندهای مردم با مکان‌ها بویژه خانه و مکان‌های مقدس تاکید کرده بودند. متأسفانه مطالعات آنها در میان بسیاری از محققان محیطی و رفتاری، که کارهایشان تحت تاثیر فلاسفه پوزیویست بود، بازتاب چندانی پیدا نکرد و تنها فضای کمی برای تاکید بر تجارب ذهنی را ایجاد کرد (وان درگرف^۲، ۲۰۰۹: ۴۵). دلبستگی به مکان رابطه عاطفی فرد با مکان است که ریشه در خصوصیات و تجارب گذشته فرد دارد که مکان باید بتواند پاسخگو نیازها و انتظارات انسان باشد و همینطور مکان باید ظرفیت‌های پاسخگویی به این نیازها و انتظارات را داشته باشد. دلبستگی به مکان براساس تعامل شناختی، عاطفی و عملکردی بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی- اجتماعی در طول زمان شکل می‌گیرد (چرخچیان، ۱۳۸۸). به عبارتی دلبستگی مکان بر اهمیت و احساس عاطفی که فرد بر روی مکان خاصی دارد اشاره دارد (براون و همکاران^۳، ۲۰۰۷: ۹۸). اهمیت دلبستگی به مکان از آن رو است که نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق شهر دارد و شیوه‌ی کارآمدتری را برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. به لحاظ اجتماعی، دلبستگی به مکان زمینه‌ی مساعدی فراهم می‌کند تا ساکنان بر امور جاری و محلی نظارت بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود بپردازند و برای حل آنها به عمل جمعی مبادرت کنند و با تهدیدات محیطی مقابله نمایند. با درک موارد گفته شده این پژوهش در جهت پاسخگویی به این سوال است که در تحقیقات مربوط به دلبستگی مکان چه عواملی تاثیرگذار بوده است؟

1 Vada, et al

2 Van der Graaf

3 Brown et al

مبانی نظری

دلبستگی در لغت نامه دهخدا به حالت و چگونگی دلبسته، محبت، رغبت، دوستی، مودت و عشق تعریف شده است. دلبستگی از یک مفهوم یونانی به نام استورج (واژه انگلیسی) که نوعی عشق بین والدین و کودک است، گرفته شده است (کاویانی راد و عزیزی کاوه، ۱۳۹۰: ۱۵۵). دلبستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آسایش می باشد. ریشه پژوهش ها در زمینه دلبستگی به نظریه فروید درباره عشق باز می گردد، اما غالباً از پژوهشگر دیگری به نام پدر نظریه دلبستگی نام برده می شود. جان بولبی "پژوهش های گسترده ای درباره مفهوم دلبستگی به عمل آورد. او دلبستگی را چنین توصیف کرده است: «ارتباط و پیوند روانی پایدار بین دو انسان» (بولبی، ۱۹۶۹). بولبی با این دیدگاه روانکاوانه موافق بود که تجربیات اولیه کودکی، تأثیر مهمی بر رشد و رفتارهای بعدی در زندگی دارد. به عقیده او، سبک های دلبستگی اولیه ما در دوران کودکی و از طریق رابطه کودک / پرستار شکل می گیرد. مطالعات در زمینه دلبستگی برای اولین بار در ارتباط بین کادر درمان و کودک و این که چگونه کودکان در فرایند درمان، اعتماد خود را به کادر درمان توسعه می دهند، مورد بررسی قرار گرفت (ماریس^۱، ۲۰۰۰).

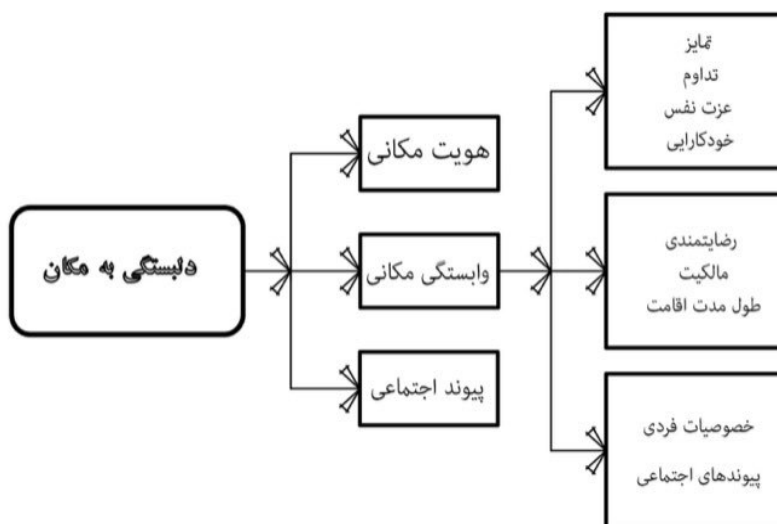
رولف نیز دلبستگی به مکان را تعاملی عاطفی و معتبر با یک محیط تعریف می کند و آن را عاملی در جهت رفع نیاز فرد نسبت به تعلق خاطر به یک پدیده خاص تبیین می کند (رولف^۲، ۱۹۷۶: ۶۷). این حس، نوعی پیوند فرد با مکان را به وجود می آورد که به واسطه آن، انسان خود را جزئی از مکان دانسته و براساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی و عملکردهای موجود در آن مکان، شخصیت و نقشی برای آن مکان در ذهن خود متصور می شود. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت است و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می شود. مفهوم دلبستگی مکان تبیین کننده راههای مختلفی که مردم ارتباطات پرمعنا را با مکان ها شکل می دهند، به دست می دهد (وادا و همکاران، ۲۰۱۹). دلبستگی به مکان در عین تأکید بر ارتباطات حسی با مکان بر پایه خود و فعل و انفعالی که در هنگام مواجهه با مکان اتفاق می افتد، مبتنی بر نظریه دلبستگی و تعلق به اجتماع زمینه است، تا تعلق صرف به مکان تا آنجا که این واژه معادل واژه هایی چون تعلق اجتماعی و حس مکان نیز به کار می رود. شوماخر و همکارش نیز این واژه را در واحد های همسایگی به عنوان وابستگی عاطفی مثبت بین فرد و مکان بیان می کنند که گروه های اجتماعی مطلوبیت کالبدی، شخصیت فرد و موقعیت دریافت شده از محل زندگی وی در آن نقش دارند (کایل و همکاران^۳، ۲۰۰۴: ۲۱۶).

دلبستگی به مکان نقش مهمی در موفقیت عملکرد فضای عمومی شهر دارد (نویانتي و همکاران^۴، ۲۰۱۸: ۱۲۷). واژه ی "دلبستگی" بر عاطفه و واژه ی "مکان" بر قرارگاه محیطی که افراد به لحاظ عاطفی به آن دلبسته می شوند، تأکید دارد. افراد پیوندهای عاطفی با مکان ها را در نتیجه ی بسط ارتباطات با محیط های منحصر به فرد در طی زمان شکل می دهند. دلبستگی ها می تواند بین افراد و بناها، محیط های زیست، محل های زندگی، اشیا، مناظر، محله ها، شهرکها و شهرها شکل گیرد. تنوع دلبستگی های مکانی تفاوت های گستره و مقیاس را

^۱ Marris^۲ Relf^۳ Kyle^۴ Novianti et al

که در مطالعه ی مکان و دشواری تعریف فضا وجود دارد، روشن می سازد. هنگامی که انسان ها به بخشی از فضا معنا می بخشند و سپس در مواردی به آن دلبسته می شوند، فضا به مکان استحاله می یابد (بونیتو و همکاران^۱، ۲۰۰۳: ۴۹).

دلبستگی مکان ریشه در نظریه دلبستگی دارد (کیم و همکاران^۲، ۲۰۱۷: ۴۲). نظریه دلبستگی بر وابستگی عاطفی و احساسی کودک نسبت به مادر استوار است. در این نظریه نیازها و توقعات فرد در این امر نقش دارد هنگامی که شی یا موضوعی این نیازها را برآورده می کند فرد، احساس آسایش و امنیت نموده و به برآوردن نیازهایش به صورت عینی و ذهنی ادامه می دهد. نتیجه آن دلبستگی و اشتیاق به زندگی با دیگران خواهد بود (لويسکا^۳، ۲۰۱۱: ۲۱۱). یکی از کاربردی ترین مدل های دلبستگی به مکان مدل کایل (۲۰۰۵) است که دلبستگی به مکان را متشکل از ابعاد هویت مکانی، وابستگی مکانی، و پیوندهای اجتماعی می داند. در این مدل، هویت مکانی دارای مؤلفه هایی چون حس تمایز (حفظ تمایز شخصی و منحصر به فرد بودن)، حس تداوم رابطه میان گذشته، حال و آینده، حس عزت نفس (ارزیابی مثبت از خود در برابر ارزش های اجتماعی) و خود کارایی (باور به توانایی ها و ظرفیت های فردی) است. وابستگی مکانی نیز به عواملی چون حس رضایت، حس مالکیت و توانایی محیط کالبدی در تأمین نیازها و امکان وقوع طیفی از فعالیت های مورد نظر فرد در مکان اشاره می کند و پیوندهای اجتماعی که با توجه به خصوصیات فردی، امکان تعاملات اجتماعی را فراهم می آورد (فرج زاده، ۱۳۹۴). شکل (۱).



شکل (۱). مدل کایل از دلبستگی مکان (فرج زاده، ۱۳۹۴)

^۱ Bonaiuto

^۲ Kim et al

^۳ Lewicka

بررسی متون مختلف عوامل دلبستگی مکانی به شرح زیر عنوان شده است:

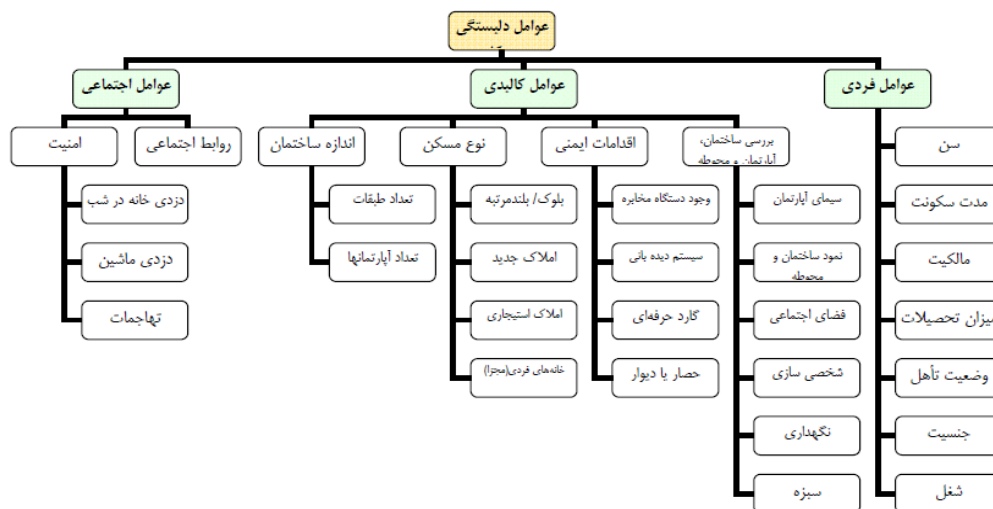
عوامل کالبدی: نقش بعد کالبدی مکان بر دلبستگی به مکان اشاره مستقیم دارد به وجود تسهیلات و خدمات، نوع سازماندهی، نحوه دسترسی، ترکیب هندسی و تزئینات و که نهایتاً به رضایتمندی از مکان منجر می‌شود. در مطالعات استدمن، تأثیر ابعاد کالبدی محیط بر دلبستگی افراد به مکان توسط استدمن مورد بررسی قرار گرفته و در آن به نقش مستقیم ابعاد کالبدی محیط در رضایتمندی افراد نسبت به محیط اشاره شده است این عوامل شامل ابعاد فضا، مقیاس آن، ترکیب فضایی و عناصر همجواران، چشم انداز، نوع تجهیزات و عناصر به کار رفته در آن و مواردی از این دست می باشند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۰۴).

عوامل اجتماعی: این عامل ریشه های عمیقی در سنت نظری مربوط به اجتماع و مباحث جامعه شناسی شهری دارد. در واقع، می توان گفت که توجه به دلبستگی به اجتماع و احساس یا تمایل محلی به طور نزدیکی با مسئله مرکزی رشته جامعه شناسی مرتبط است (کافی و فتحي، ۱۳۹۰: ۲۳).

عوامل فردی: میزان دلبستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است (اسکانل^۱، ۲۰۱۰). افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی های فردی آنها می باشد، مکان ها را انتخاب می کنند و به آنها دلبسته می شوند. فردیت در جهت گیری اجتماعی و نحوه توسعه ارتباطات اجتماعی صمیمانه نیز حائز اهمیت است (وازرکا و لیم^۲، ۲۰۰۱: ۶۵). اطلاعات جمعیت شناسانه شامل: سن، جنس، درآمد، وضعیت تأهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل می باشد. در این رابطه حتی رژیم غذایی، سیگاری بودن و ورزش نیز موثر است که باید توانایی ذهنی و جسمی افراد نیز به آن اضافه گردد). اما ویژگی های فردی تنها محدود به این ابعاد نیست، بلکه به تمایزات فردی، نیازها، اشتغالات زندگی، تعریف فرد از زندگی، نحوه اندیشه، ادراک، خیال و مقاصد فردی شخص، پیش زمینه ها، باورها و ارزش های فرد نیز بستگی دارد. که علاوه بر توسعه وابستگی های اجتماعی، دربردارنده معانی عمیقی از مکان برای هر فرد است تجارب زندگی هر فرد، کیفیت حسی ویژه ای دارند که در او، نوعی احساس دلبستگی به مکان هایی که تجارب وی در آن به وقوع پیوسته اند، ایجاد می نماید مطالعات حاکی از آن است اگر چه جنسیت، عامل تعیین کننده ای در دلبستگی به مکان نبوده و در مواردی که دلبستگی بیش تری در زنان مشاهده شده، علت آن گذراندن زمان بیش تر در مکان، گزارش شده است سطح درآمد نیز عامل تعیین کننده ای در توقعات و انتخاب نوع مکان می باشد (عزیزی، ۱۳۹۵). شکل (۲).

^۱ Scannell

^۲ Warzecha ,lime



شکل (۲). عوامل دلبستگی مکانی (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر روش فراتحلیل است. فراتحلیل (متاآنالیز) را می‌توان نوعی مرور سیستماتیک پژوهش‌های کمی، بر طبق اصول آماری و ریاضی دانست (اورکات^۱، ۲۰۱۰: ۳۴). در پژوهش‌های مختلف مربوط به یک موضوع پژوهشی واحد، نتایجی کاملاً متفاوت و گاه متضاد درباره روابط بین متغیرها حاصل می‌شود. تلفیق کمی چنین یافته‌هایی در مقایسه با یافته‌های حاصل از تک تک این پژوهش‌ها، بر آوردی دقیق‌تر و مطمئن‌تر از این یافته‌ها به دست می‌دهد. فراتحلیل، شگردی آماری برای ترکیب نتایج حاصل از مطالعات پژوهشی مختلف در باب یک مسئله پژوهشی ویژه به منظور حصول به نتیجه‌ای کلی و مستلزم تلفیق کمی (آمار و ریاضیاتی) یافته‌های حاصل از مطالعات مختلف است و امکان حصول به یافته‌های دقیق را در پرتو تلفیق ریاضیاتی فراهم می‌کند و توان آماری را افزایش می‌دهد. فراتحلیل، به جای تکیه صرفاً تفسیری و ذهنی بر نتایج تک تک مطالعات، به معیار و برآورد کمی مشترکی موسوم به «اندازه و بزرگی اثر» هر یک از این مطالعات (تفاوت میانگین استاندارد شده و یا ضریب همبستگی) بر حسب اندازه نمونه مورد بررسی در آنها توجه می‌کند (ایمان و خواجه نوری، ۱۳۸۵). واحد تحلیل در فراتحلیل، یافته‌های کمی پژوهش‌های دیگر است. در پژوهش حاضر، جامعه آماری آن دسته از پژوهش‌هایی است که در ارتباط با دلبستگی به مکان در داخل و خارج کشور انجام شده است؛ به عبارت دیگر جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه آثار علمی-پژوهشی در زمینه بررسی عوامل موثر بر دلبستگی به مکان می‌باشد. در این تحقیق کل جامعه آماری تعداد ۷۵ پژوهش بوده که در طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ انجام گرفته است. نمونه بخشی از جامعه تحت بررسی است که با روشی از پیش تعیین شده، انتخاب می‌شود. به قسمتی که می‌توان از این بخش، استنباط‌هایی درباره کل جامعه به دست آورد. در این فراتحلیل

1 Urquhart

پژوهشهایی که از لحاظ روش شناختی شرایط لازم را احراز کرده اند، به کار رفته است؛ یعنی از مقالات که ملاک درون گنجی^۱ را داشته اند، استفاده شده است. معیارهای درون گنجی این پژوهش عبارتند از: ۱- تحقیق در فاصله زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۸ انجام گرفته باشد (۷۵). ۲- در پژوهش مربوطه، دلبستگی به مکان به عنوان متغیر وابسته به کار رفته باشد (۳۲ مورد حذف). ۳- پژوهش باید اطلاعات لازم برای استخراج عملی اندازه اثر (قوت رابطه) را ارائه کرده باشد (۱۴ مورد حذف). بنابراین تعداد پژوهشهای انتخاب شده برای انجام فراتحلیل (۱۸) پژوهش می باشد. این نمونه آماری متشکل از ۱۸ پژوهش بوده که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در جدول (۱) پژوهشهای مورد بررسی به همراه متغیرهای مورد بررسی در این پژوهشها ارائه شده است.

جدول (۱). پژوهشهای مورد بررسی

نویسندگان	متغیرهای پژوهش
لويسکا (۲۰۰۶)، دوح (۲۰۰۸)	مدت زمان سکونت در مکان
مگوریو و کینگنبرگ ^۲ (۲۰۱۸)، مورگان (۲۰۱۰)	مشارکت اجتماعی محلی و شرکت در امور مربوط به اجتماع
«ریپر و همکاران» ^۳ (۲۰۱۹)، چونگ و هوی ^۴ (۲۰۱۸)	تنوع طبیعی و لذت بخشی محیط
عزیزی، ۱۳۹۵، اوجنگ ^۵ (۲۰۱۲)،	راحتی و آسایش مکان،
شفیعی، ۱۳۹۳، نواینتی و همکاران ^۶ (۲۰۱۸)	خوانایی و قابلیت دسترسی
چو ^۷ (۲۰۱۷)، مناتی و همکاران ^۸ (۲۰۱۹)	وضعیت مالکیت خانه
مارکوس ^۹ (۲۰۱۰)، واکسمن ^{۱۰} (۲۰۰۶)، حیاتی و غلامی، ۱۳۹۲	بافت اجتماعی مکان
استدمن ^{۱۱} ، ۲۰۰۶؛ شمس الدین و اوجانگ ^{۱۲} ، ۲۰۰۸؛	ارزش اقتصادی زمین

برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار (CMA (Comprehensive Meta-Analysis استفاده شده است.

نتایج

بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام شده

یکی از بخشهای فراتحلیل آزمون همگنی مطالعات است که به منظور بررسی این مفروضه از آزمون Q استفاده می شود نتایج حاصل از بررسی آن در جدول (۲) نمایش داده شده است.

1 Inclusive criteria

۲ Maguirea, Klinkenbergb

۳ Ripper et al

4 Cheung, & Hui,

5 Ujang

6 Novianti

7 Chou,

8 Menatti

9 Marcus

10 Waxman

11 Stedman

12 Shamsuddin, & Ujang

جدول (۲). نتایج حاصل از آزمون Q

شاخص آماری	مقدار آزمون Q	درجه آزادی (DF)	سطح معناداری	I-Squared (I ²)
نتایج	۲۶۷/۸۵۶	۲۱	۰/۰۰۰۱	۹۳/۱۲۳

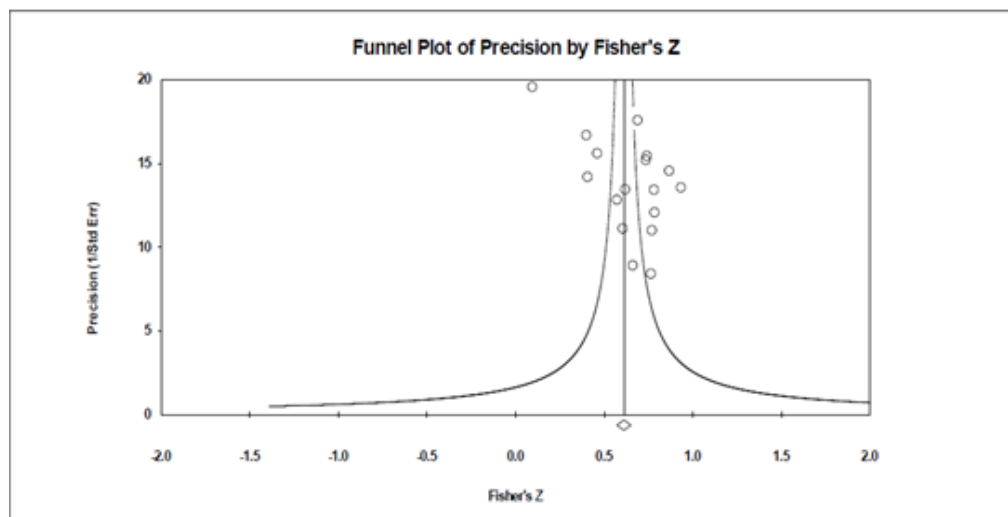
با عنایت به نتایج مندرج در جدول (۲) مقدار آزمون Q برابر با ۲۶۷/۸۵۶ است که این مقدار با توجه به مقدار سطح معناداری بدست آمده که کمتر از مقدار خطای مورد نظر یعنی عدد ۰/۰۵ می باشد لذا با اطمینان ۹۵ درصد می توان فرض ناهمگونی میان پژوهش های انجام گرفته را مورد تایید قرار داد. به بیانی دیگر معنادار بودن شاخص Q نشان دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش های اولیه است، اما از آن جایی که این شاخص به افزایش تعداد اندازه اثر حساس است و با افزایش تعداد اندازه اثر توان این آزمون برای رد همگنی بالا می رود، مجذور (I^2) شاخص دیگری است که به همین منظور مورد استفاده قرار می گیرد. ضریب مجذور I^2 دارای مقداری از ۰ تا ۱۰۰ درصد است و در واقع مقدار ناهمگنی را به صورت درصد نشان می دهد. هر چه مقدار این ضریب به ۱۰۰ درصد نزدیک تر باشد نشان دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثرهای پژوهش های اولیه است. نتایج حاصل از ضریب مجذور مؤید این مطلب است که حدوداً ۹۵ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط است.

بررسی مفروضه خطای (تورش) انتشار

بخش دیگر فرایند فراتحلیل بررسی خطای انتشار است که ناشی از انتشار پژوهش های چاپ شده و عدم انتشار پژوهش های چاپ نشده و انواع خطاها است. به بیانی دیگر یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فراتحلیل می شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده اند. به منظور بررسی این مفروضه از نمودار کیفی و روش رگرسیونی آگر، روش هم بستگی رتبه ای بگ و مزومدار و N ایمن از خطا استفاده شده است که نتایج بررسی این مفروضه به کمک روش های مختلف در ادامه ارائه شده است.

نمودار فانل شکل

معمول ترین و ساده ترین روش شناسایی تورش انتشار، استفاده از یک نمودار پراکندگی دو بعدی به نام نمودار فانل می باشد که در آن اثر مداخله برآورد شده از هر مطالعه در مقابل اندازه نمونه آن مطالعه رسم می شود. اگر تورش انتشار وجود نداشته باشد، انتظار داریم که نمودار متقارن بوده و مقدار پراکندگی حول اندازه اثر مداخله با افزایش اندازه نمونه کاهش یابد (بهفر، ۱۳۹۱: ۸۹). به عبارت دیگر، در نبود سوگیری انتشار، تحقیقات، حول محور اندازه اثر ترکیبی به طور متقارن توزیع خواهند شد. برعکس، در صورت وجود سوگیری، پراکندگی تحقیقات در پائین نمودار حول یک طرف میانگین بیشتر از طرف دیگر خواهد بود. این حالت بیانگر این واقعیت است که تحقیقات کوچک تر (که در پایین نمودار ظاهر می شوند) به احتمال زیاد در صورتی منتشر می شوند که اندازه اثر بالای متوسط داشته باشند و در این صورت به احتمال زیاد از نظر آماری معنی دار خواهند بود (قربانی زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۶). شکل (۳).



شکل (۳). نمودار فانل به منظور بررسی خطای انتشار

نتایج حاصل از نمودار فانل شکل (۳) تقریباً تداعی کننده تقارن نسبی مطالعات انجام شده است؛ اما قضاوت روشنی در این مورد نمی توان انجام داد و می بایست برای این منظور از آزمون های آماری مربوطه (روش رگرسیونی خطی اگر و آزمون همبستگی بگو مزومدار، روش چینش و تکمیل دووال و تئیدی و N ایمن از خطا) استفاده شود.

نتایج همبستگی رتبه ای بگ و مزومدار

آزمون همبستگی رتبه ای بگ و مزومدار، هم بستگی رتبه ای (تاو کندال) بین اندازه اثر استاندارد و واریانس این اثرات را مشخص می کند. تفسیر این ضریب به این صورت است که در آن مقدار صفر دال بر نبود رابطه بین اندازه اثر و دقت است و انحراف از صفر از وجود رابطه حکایت می کند. اگر عدم تقارن ناشی از سوگیری انتشار باشد، انتظار این است که در ارتباط با اندازه اثر بزرگ تر، خطای استاندارد بیشتر مشاهده شود. نتایج حاصل از بررسی روش هم بستگی بگ و مزومدار، به منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول (۳) است.

جدول (۳). نتایج همبستگی رتبه ای بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب کندال (tau)	z-value	سطح معناداری	
			یک دامنه	دو دامنه
نتایج	۰/۰۹۶	۰/۰۹۶	۰/۳۴۱	۰/۵۶۷

با عنایت به نتایج مندرج در جدول (۳)، مقدار تاو کندال بی برابر با ۰/۰۹۶ شده است که با توجه به مقدار معناداری یک دامنه (۰/۳۴۱) و دو دامنه ۰/۵۶۷ باید گفت که اگرچه بین اندازه اثر و دقت رابطه وجود دارد، اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار فانل و عدم سوگیری انتشار تأیید می شود.

نتایج روش رگرسیون خطی آگر

در نبود سوگیری انتشار انتظار می رود در تحقیقات کوچک اثر استاندارد کوچک و در تحقیقات بزرگ، اثر استاندارد بزرگ مشاهده شود. این حالت خط رگرسیونی را ایجاد می کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد. نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی آگر، به منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول (۴) است.

جدول (۴). نتایج روش رگرسیون خطی آگر

شاخص آماری	برش (B)	خطای استاندارد (SE)	سطح معناداری	
			یک دامنه	دو دامنه
نتایج	۱۳/۰۵۱	۰/۰۹۶	۰/۰۸۷	۰/۱۳۴

بر اساس نتایج رگرسیون خطی آگر، برش برابر با (۱۳/۰۵۱) است. از آن جایی که مقدار سطح معناداری یک دامنه برابر با ۰/۰۸۷ و دو دامنه برابر با ۰/۱۳۴ است، بنابراین فرض متقارن بودن نمودار فانیل شکل و عدم سوگیری انتشار مورد تایید قرار می گیرد.

N ایمن از خطا

آزمون N ایمن از خطای روزنتال تعداد تحقیقات گم شده (با اثر میانگین صفر) را محاسبه می کند که لازم است به تحلیل ها اضافه شود تا عدم معنی داری آماری اثر کلی به دست آید (قربانی زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۱). ایده اصلی N ایمن از خطا این است که تعداد مطالعات با نتایج صفر را تعیین کنیم که باید برای کاهش احتمال خطای نوع I به سطح معنی داری از پیش تعیین شده وجود داشته باشند. به طور واضح اگر تعداد مطالعات غیر معنادار کمی برای کاهش یک نتیجه به سطح معناداری مورد نیاز باشد، نتایج به دست آمده احتمالاً فاقد اطمینان است (وگاس، ۲۰۰۵: ۵۵). جدول (۵).

جدول (۵). N ایمن از خطا

مقدار	شاخص
۲۹/۲۷۴۵	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۰۰۱	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۵	آلفا
۲	باقیمانده
۱/۸۹۳۲	Z برای آلفا
۱۸	تعداد مطالعات مشاهده شده
۱۹۷۶	تعداد مطالعات گم شده ای که مقدار P را به آلفا می رساند

با توجه به جدول (۵)، باید ۱۹۷۶ مطالعه دیگر صورت گرفته و بررسی شود تا مقدار P دوسویه ترکیب شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند. این به معنی آنست که باید ۱۹۷۶ مطالعه دیگر انجام گیرد تا در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل ها خطایی رخ دهد و این نتیجه دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج بدست آمده در این پژوهش را

نشان میدهد. ۱۹۷۶ مورد مطالعه فاصله از خطا مقدار مناسب و قابل توجهی است. این نتایج حاکی از دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج به دست آمده از این پژوهش است.

اندازه اثر مطالعات

پس از بررسی مفروضات فراتحلیل به این نتیجه رسیدیم که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج به منظور گزارش اندازه اثر استفاده کرد، بنابراین در جدول (۶) گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است.

جدول (۶). اندازه اثر مطالعات

پریش	اندازه اثر (r)	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
عوامل دلبستگی به مکان	۰/۳۷۶	۰/۰۵۶	۰/۷۸۵	۴/۵۶۳	۰/۰۰۱

داده های جدول (۶) نشان می دهد که میانگین اندازه اثر عوامل شناسایی شده در دلبستگی به مکان در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۷۶ است چون این اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان است، بنابراین باید گفت تأثیر عوامل شناسایی شده در دلبستگی به مکان تأیید می شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه ای به دست آمده (۳۷۶) بر مبنای معیار کوهن جدول (۷) حاکی از اثر در حد متوسط است. پس در مجموع باید گفت عوامل بررسی شده در مطالعات مورد بررسی در سطح متوسط می تواند بر دلبستگی به مکان مؤثر باشد.

جدول (۷). مدل کوهن، نظام تفسیر اندازه اثر ناشی از فراتحلیل

اندازه اثر	r	d
کم	۰/۱	۰/۲
متوسط	۰/۳	۰/۵
زیاد	۰/۵	۰/۸

نتیجه گیری

پیش از دهه ی ۷۰ میلادی در مطالعات انجام شده در زمینه ی رابطه ی انسان و مکان، دلبستگی به مکان مورد توجه قرار نگرفته بود. اما افزایش فزاینده ی توجهی تأثیر فرهنگ بر ترجیحات مکان، همانند طراحی برای سال خوردگان، کودکان، افراد بی خانمان و گروه های مختلف اجتماعی، سبب شد تا احساس انسان در رابطه ی با مکان، محور بسیاری از تحقیقات گردد مفهوم دلبستگی به مکان در مطالعات جغرافیای انسانی، روان شناسی محیطی، جامعه شناسی، معماری، مدیریت منابع طبیعی، آموزش محیطی، و گردشگری بررسی شده است از این رو تلاش شد که در این پژوهش با استفاده از روش فراتحلیل عوامل موثر بر دلبستگی به مکان براساس مطالعه پیشینه تحقیقات انجام شده مورد بررسی قرار گیرد. از آنجایی که روش فراتحلیل یک شیوه نوین جهت ترکیب نتایج آماری و رسیدن به نتیجه گیری کلی است و دسترسی به منابع جدید مربوط به فراتحلیل بسیار محدود می باشد. این تحقیق جزو اولین تحقیقات در حیطه فراتحلیل تحقیقات انجام شده درحوزه دلبستگی به مکان می باشد. پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل پژوهش های انجام گرفته در حوزه عوامل موثر بر دلبستگی به مکان انجام گرفت، تا از این رهگذر ضمن ترکیب یافته های متفاوت پژوهش های موجود، امکان نتیجه گیری

دقیق تر در این زمینه فراهم شود. نتایج حاصل از بررسی مطالعات صورت گرفته در ارتباط با عوامل موثر در دلبستگی به مکان نشان داد که در پژوهش‌های مورد بررسی از عوامل مدت زمان سکونت در مکان، مشارکت اجتماعی محلی و شرکت در امور مربوط به اجتماع، تنوع طبیعی و لذت بخشی محیط، راحتی و آسایش مکان، خوانایی و قابلیت دسترسی و وضعیت مالکیت خانه به عنوان متغیرهای مستقل و عوامل تاثیر گذار در دلبستگی به مکان یاد شده است نتایج حاصل از به کار گیری تکنیک متاآنالیز نشان داد که که اندازه اثر یا ضریب تاثیر عوامل شناسایی شده ۰/۳۷۶ است که بر حسب نظام تفسیری کوهن، در حدمتوسط ارزیابی می شود. در مجموع نتایج پژوهش نشان داده است که عوامل شناسایی شده تأثیری متوسط بر دلبستگی به مکان دارد.

منابع

- حیاتی، عقیل، غلامی، محمد (۱۳۹۲) بررسی تاثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی؛ محله اوین شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳ (۳۰): ۱۳۱-۱۵۰.
- حیدری، علی اکبر، مطلبی، قاسم، مردیان، سلمان (۱۳۹۷) ارزیابی تأثیر مقیاس مکان بر میزان دلبستگی در سه مقیاس خانه، محله و شهر مورد مطالعه شهر شیراز، هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۲۳ (۳): ۹۵-۱۰۶.
- حیدری، علی اکبر، تیموری، پریا، مرادیان، سلمان (۱۳۹۷) ارزیابی تأثیر مقیاس مکان بر میزان دلبستگی در سه مقیاس خانه، محله و شهر بر پایه دو متغیر سن و جنسیت، فصلنامه مطالعات شهری، ۲۳: ۴۵-۷۷.
- سجاذزاده، حسن (۱۳۹۲) نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان)، فصلنامه باغ نظر، ۲۵: ۶۹-۷۸.
- کاویانی، راد، مراد، عزیزی کاوه، علی (۱۳۹۰). نقش هویت مکانی در بروز گُنش سیاسی مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب شهر تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۱ (۲۰): ۱۵۱-۱۶۸.
- ماجدی، حمید. منصوری، الهام. حاجی احمدی، آذین. (۱۳۹۰). باز تعریف فضای شهری مطالعه موردی محور ولیعصر تهران، نشریه مدیریت شهری، ۲۷: ۲۶۳-۲۸۴.
- مهدی امیر، کافی، فتحی، شکوفه (۱۳۹۰) بررسی عوامل موثر بر دلبستگی به منطقه مسکونی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵ (۱): ۴۱-۵.

Bonaiuto, M. , Fornara, F. & Bonnes, M. (2113). **Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome**, Landscape and Urban Planning 65: 41-52.

Brown, G., & Raymond, C. (2007). **The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment**. Applied geography, 27(2): 89-111.

Brown, G., Raymond, C. M., & Corcoran, J. (2015). **Mapping and measuring place attachment**. Applied Geography, 57: 42-53.

Cheung, L. T., & Hui, D. L. (2018). **Influence of residents' place attachment on heritage forest conservation awareness in a peri-urban area of Guangzhou, China**. Urban forestry & urban greening, 33: 37-45.

- Chou, C. L., & Chang, H. M. (2017). **A Study of Cyclists Activity Involvement, Place Attachment, Satisfaction and Loyalty**. Asian Journal of Environment & Ecology, 1-10.
- Kim, S., Lee, Y. K., & Lee, C. K. (2017). **The moderating effect of place attachment on the relationship between festival quality and behavioral intentions**. Asia Pacific Journal of Tourism Research, 22(1): 49-63.
- Kyle, G., Graefe, A., Manning, R. and Bacon, J. (2004), **'Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting'**, Journal of Environmental Psychology, 24:213-225.
- Kyle, G., Graefe, A., Manning, R. and Bacon, J. 2004. **'Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting'**, Journal of Environmental Psychology, 24:213-225.
- Lewicka, M. (2011). **Place attachment: How far have we come in the last 40 years?** Journal of Environmental Psychology, 31(3): 207-230.
- Marris, P. 2000). **The Politics of Uncertainty: attachment in private and public life**, New York, Routledge.
- Menatti, L., Subiza-Pérez, M., Villalpando-Flores, A., Vozmediano, L., & San Juan, C. (2019). **Place attachment and identification as predictors of expected landscape restorativeness**. Journal of Environmental Psychology, 63: 36-43.
- Novianti, Y., Ginting, N., & Marpaung, B. O. Y. (2018, March). **Place attachment of the public space in Krueng Cunda**. In **IOP Conference Series: Earth and Environmental Science** (Vol. 126, No. 1, p. 012154). IOP Publishing.
- Relph, E., 1976. **Place and Placelessness**, London, Pion
- Scannell, Leila & Gifford, Robert (2010), **Defining place attachment: A**
- Shamsuddin, S., & Ujang, N. (2008). **Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malaysia**. Habitat International, 32(3): 399-409.
- Stedman, R. C. (2006). **Understanding place attachment among second home owners**. American behavioral scientist, 50(2): 187-205.
- tripartite organizing framework**. Journal of Environmental Psychology, 30, 1-10
- Ujang, N. (2012). **Place attachment and continuity of urban place identity**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 49: 156-167.
- Vada, S., Prentice, C., & Hsiao, A. (2019). **The influence of tourism experience and well-being on place attachment**. Journal of Retailing and Consumer Services, 47: 322-330.
- Van der Graaf, P. (2009). **Out of Place?: Emotional Ties to the Neighbourhood in Urban Renewal in the Netherlands and the United Kingdom**. Amsterdam University Press.
- Warzecha, C. A., and Lime, D.W. (2001), **'Place attachment in Canyonlands National Park: Visitors' assessment of setting attributes on the Colorado and Green Rivers'**, Journal of Park and Recreation Administration, 59-78.
- Waxman, L. (2006). **The coffee shop: Social and physical factors influencing place attachment**. Journal of Interior Design, 31(3): 35-53.
- Xu, Z., & Zhang, J. (2016). **Antecedents and consequences of place attachment: A comparison of Chinese and Western urban tourists in Hangzhou, China**. Journal of Destination Marketing & Management, 5(2): 86-96.